

مسجد سلیمان، نخستین خاستگاه مسکن غربی در ایران

مهران دشتی
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد هیدج)



انتشارات شهر هنر

۱۳۹۵

سرشناسه	: دشتی، مهران، ۱۳۳۶-
عنوان و نام پدیدآور	: مسجد سلیمان، نخستین خاستگاه مسکن غربی در ایران، مهران دشتی.
مشخصات نشر	: تهران: شهر هنر، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۰ ص.: مصور (رنگی)، ۱۵×۱۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۳۷۳-۴-۷
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.	
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: شهرسازی — ایران — مسجد سلیمان — تاریخ.
موضوع	: City planning--Iran--Masjed Soleyman--History
موضوع	: معماری — ایران — مسجد سلیمان — تاریخ.
موضوع	: Architecture--Iran--Masjed Soleyman--History
موضوع	: مسجد سلیمان
موضوع	: (Masjed Soleyman, Iran)
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۰۵۵: ۱۶۹/HT
رده‌بندی دیویی	: ۳۰۷/۱۲۱۶: ۵۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۰۴۰۵۸



انتشارات شهر هنر

نام کتاب	: مسجد سلیمان، نخستین خاستگاه مسکن غربی در ایران
نویسنده	: مهران دشتی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد هیدج)
ویراستار	: محمود غفاری‌مهر
ناظر کیفی و فنی	: کامران شاهرخ همدانی
حروفنگاری و صفحه‌آرایی	: علم‌روز
طرح جلد	: علیرضا اسماعیلی
لینوگرافی، چاپ	: مهران
صحافی	: بهرنگ
چاپ اول	: ۱۳۹۵
شمارگان	: ۵۰۰ جلد
بها	: ۴۰۰۰۰ ریال

حق چاپ محفوظ است.

تهران، کد پستی ۳۴۵۷۱-۱۴۱۹۶: تلفن: ۶۶۹۳۵۶۱۵/ همراه: ۹۱۲۳۶۶۱۲۵۹-

پیشگفتار و سیاست‌گذاری

جغرافیدان اتریشی، «هانس بوبک» در اثری در ابتدای دهه ۱۹۶۰ میلادی به نام «ایران - مشکلات یک کشور در حال توسعه با فرهنگ کهن» منتشر کرد، مطالعه مختصری در شهر مسجد سلیمان به عنوان نخستین شهر صنعتی ایران انجام داد. در این کتاب تصویری از این شهر نشان داده است، که در آن مجموعه‌ای از خانه‌های ایرانی ابل تشخیص است. براساس این تصویر و کسب اطلاعاتی در مورد تاریخ شهر مسجد سلیمان، و همچنین به دلیل مطالعات مکتوب، در دست‌آمورد تاریخ مسکن‌سازی به روش غربی در ایران، احتمال دادم که شاید نخستین خانه‌های مسکونی با معماری غربی ایران در شهر مسجد سلیمان ساخته شده باشند.

از آنجا که امروزه معماری و شهرسازی در کشورهای صاحب دانشگاه‌های معتبر، رشته‌ای از علم محسوب می‌شود و بررسی تجربه‌ها، یکی از راه‌های عمیق‌تر نمودن آن است، و از طرفی محافل علمی ما دانش این کمبود، یعنی «فقر در بررسی تجربه‌های موجود» هستند، برداشت‌های نمونه‌های معماری مختلف را در ایران، یکی از مهم‌ترین وظایف متخصصان می‌دانم، تا از این راه بتوان علم معماری را در کشور بارورتر کرد. همچنین، در جریان ورود معماری غربی، ما با پدیده‌هایی در معماری شهرسازی جدید روبه‌رو هستیم، که در حقیقت، آگاهی از آنها ضرورت ورود به این مبحث و کنکاش را ایجاب می‌کند، نکته‌ای که در ادبیات معماری و شهرسازی کنونی ما به‌ندرت به آن پرداخته شده است. از این‌رو بررسی مسجد سلیمان به عنوان «محتمل‌ترین» خاستگاه نخستین نمونه‌های معماری مسکن غربی در ایران را ضروری دانستم و پژوهش در این مورد را، یکی از هدف‌های خود قرار دادم.

از ورود معماری غربی به فرهنگ معماری ایران زمان زیادی نمی‌گذرد. عواملی که در پیدایش این معماری مؤثر بوده‌اند، هنوز بررسی، یا بهتر بگوییم، شناخته نشده‌اند. برقراری ارتباط با کشورهای اروپایی و سپس با ایالات متحده آمریکا، ورود اجتماعتی، اقتصادی و در نتیجه سیاسی، تشکیل سیستم اداری منظم براساس الگوی غربی، تأسیس دانشگاه و ترویج علوم به شکل غربی در نهایت کشف و استخراج نفت، از جمله عواملی هستند، که در شکل‌گیری این معماری نقش مهمی را ایفا کرده‌اند. متأسفانه نداشتن شناخت از ریشه‌های معماری نوین یا غربی و به عبارتی دیگر، برداشتی سطحی از این نوع معماری و شهرسازی، موجب نوعی سهل‌انگاری در طراحی شهرهای ما شده است، که نتیجه آن شهرهای آشفته، غیرانسانی و ناعادلانه امروز ما است. شاید بتوان ادعا کرد، که سهم محافل دانشگاهی ما در پیدایش این وضعیت از تمامی سازمان‌ها و نهادهای اجرایی دیگر بیشتر است، زیرا دست‌کم وظیفه دانشکده‌های معماری ما هشدار در مورد پیامدهای شهرسازی انجام‌گسیخته امروز ما می‌بود. مشکلات متعدد امروز شهرهای ما مانند؛ جمعیت زیاد، وسعت نامتناسب و مرزهای نامشخص، تغییر تیپولوژی

در بستر یا مورفولوژی نامناسب آن، نارسایی های زیست محیطی مانند: کیفیت نامطلوب هوا، بحران آب و نبود تأسیسات فاضلاب و تصفیه آن، حجم عظیم زباله و از دست دادن ظرفیت های موجود در آن، ترافیک وسایل نقلیه موتوری و تأثیر نامطلوب آن، چه از جهت فیزیکی بر کیفیت فضاهای شهری و چه از جهت آلودگی های تنفسی و صوتی، نتیجه شهرسازی با رویکرد ارجحیت سود سرمایه و بدون در نظر گرفتن شهرسازی با مقیاس قابل قبول و حاکمیت انسانی است. تسلط تیپولوژی مسکن آپارتمانی نه از روی مصلحت شهرسازی و حتی نیاز به آن در شهرهای ما، بلکه تنها به وسیله پرداخت مبالغ تعیین شده برای حجم تراکم به وقوع پیوست. به عبارتی دیگر شکل شهرهای ما را طرح های مناسب و یا توجه به پیشرفت علم شهرسازی و معماری به وجود نیاوردند بلکه حجم پرداختی از سوی سرمایه گذاران آن را تعیین کرده است. ساخت آپارتمان های مسکونی و تجاری در مناطق خوش آب و هوای شهر در کنار پیامدهای زیست محیطی منفی، موجب نابود شدن مناطق طبیعی در شهرها شدند و بر سویی دیگر نقش عمده ای در پیدایش بازار بورس ایفا کردند، که منجر به بحران مسکن در کشور شد. به این ترتیب، دیگر مناطق طبیعی کشور هم به دلیل وضع ناهنجار شهرها، مورد دخل و تصرف قرار گرفتند، که جای ویژه ای در بحرانی تر شدن شرایط کنونی کشور ما به وجود آورد. در حالی که، بررسی هایی که در یکی از نخستین شهرهای مدرن ما، یعنی مسجدسلیمان انجام شده است، چنانکه خواهد آمد، حتی در منطقه خشک و کم آب، حکایت از شهری با کیفیت مطلوب مبتنی بر طبیعت می کند.

این پژوهش از بسیاری جهات درخشان معرسه با کار رولاند راینر (Roland Rainer) اتریشی است، که در نیمه نخست دهه ۱۳۵۰ خورشیدی به عنوان استاد مهمان در دانشگاه تهران دعوت به همکاری شده بود. وی در اثری بسیار ارزشمند، که چندین بار با ترجمه فارسی و انگلیسی تجدید چاپ شد، «معماری ناشناخته ایران» (Anonymes Bauen Im Iran) را به جهانیان شناساند، که حاصل آن و آثاری مانند آن، پایه گذار بخش های جدیدی در رشته معماری دانشکده های کشورهای اروپایی با تمرکز بر اقلیم در برابر معماری بین المللی (International Architecture) بوده است. همچنین این قیاس در مورد اثر «محمود توسلی» در مورد معماری مناطق مرکزی ایران صادق است، که آن هم در نیمه نخست دهه ۱۳۵۰ خورشیدی منتشر شد و پس از آن بارها، به زیر چاپ افتاد رفت. در همین روند منطقی آثار با ارزش دیگری نیز متولد شدند، که در حقیقت پرسپکتیو و سرمزمن نهایی برای معماری ایران را تشکیل دادند. وی در عمل صرفاً به صورت مکتوب به بقای خود ادامه دادند. اگر رولاند راینر و محمود توسلی و خالقان آثار دیگر در پژوهش های خود به رسم کردند تا ظرفیت های موجود در معماری بومی و سنتی ایران را نمایش دهند، این پژوهش می خواهد شکل مطبوع و انسانی از معماری شهرسازی غربی، که در ایران بنیان گذاشته شد را با نقشه های موجود از آن زمان ارائه دهد.

در حقیقت، شهرسازی مسجدسلیمان و به ویژه تیپولوژی خانه های ردیفی، تا مدت زیادی سیاست غالب در تقسیم زمین های شهری کشور و طراحی شهری بود. شاید بتوان دهه های بین ۱۳۱۰ و ۱۳۴۰ خورشیدی را سال های برهه طلایی ساخت خانه های ردیفی بنامیم. سال هایی که طی آن محله های مدرنی مانند محله رویه روی دانشگاه تهران، نارمک و شهرک هایی مانند چمران، دستگاه فرح آباد (پیروزی)، کوی نهم آبان (سیزده آبان) پدید آمدند. متأسفانه این محله ها، شهرک ها و کوی ها، که می توانستند الگوی مناسبی برای شهرسازی ما باشند، با مرور زمان به وسیله اشکال های حقوقی در شهرسازی امروز ما و سیاست های اشتباه، تا حدود زیادی از میان رفته اند. تسلط تیپولوژی خانه های ردیفی در این دوران آنچنان شدید بود، که بسیاری از تعاونی های مسکن دولتی و خصوصی نیز تنها خانه های ردیفی را در طراحی های شهری خود می گنجاندند، که در مقایسه با «برج های» مسکن مهر امروز قابل تعمق است.

چنانکه در این پژوهش خواهیم دید، به مرور زمان خانه های ساخته شده در آغاز تاریخ مسجدسلیمان، مانند بیست فوتی ها تخریب شده اند. اما از آن تأسف بارتر سیاست های بی رحم حاکم بر شهرسازی امروز ایران است، که خانه های پیشاهنگ در مسکن مدرن ایران را هم

از گزند خود مصون نگذاشته است. براساس آنچه شنیده شده است، خانه‌هایی که در زمان پژوهش وجود داشتند و در این کتاب هم از آنها نام برده شده است، تخریب و به جای آنها خانه‌های آپارتمانی جایگزین شده‌اند.

تجربه بارزش دیگری نیز به وسیله این پژوهش به دست می‌آید، که عبارت از کمبود درک اهمیت این گونه پژوهش‌ها در محافل دانشگاهی ما است. دانشگاه‌ها و نشریات تخصصی در مواجهه با این پژوهش و یا این شکل از پژوهش از سویی مسئله مهم «اهمیت موضوع پژوهش»، که یکی از پیش شرط‌های یک تحقیق است را جدی نگرفتند و از سویی دیگر برای «بررسی»، «گفتگو» و «نقد»، که از خصوصیات یک محیط دانشگاهی و علمی است، هیچ اهمیتی قائل نشدند. زیرا با یک نظر حتی غیر کارشناسانه می‌توان به این موضوع مهم پی برد، که امروزه ساختمان‌سازی و به‌ویژه تهیه مسکن در یک فرایند غیرسنتی و غربی قرار گرفته و دارای مشکلات بسیاری است. مطالعه و پژوهش روی این موضوع می‌تواند گام نخست در جهت بهبود آن باشد. اما متأسفانه، مقاله اینجانب تحت عنوان «سنت، مدرنیته و مسکن مسجدها»، که مبتنی بر پژوهش و مقایسه در مسکن مدرن مسجدها و خانه‌های سنتی این منطقه بود، از سوی هیچ مجله «علمی و پژوهشی» مانند نشریه «صفه» مورد پذیرش قرار نگرفت. تنها نشریه‌ای که به اهمیت این موضوع پی برد، فصل‌نامه «فرهنگ و معماری» بود، که مقاله‌ای در مورد مسجدها و مسکن مدرن آن با نام «مسجد سلیمان، میزبان اولین خانه غربی» در سال ۱۳۸۹ منتشر نمود. براساس این تجربه، تغییرات نه تنها در زمینه پژوهش دانشکده‌های معماری احساس می‌شود، بلکه چیزی بیشتر از آن، یعنی تحولی عمیق در نظام دانشکده‌های معماری، به همراه تمرکز بر مسایل معماری و شهرسازی امروز، اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

با توجه به پیشینه مطالعاتی خود، پس از بازگشت به ایران، اشتغال در دانشگاه‌های ایران، در دانشگاه هنر بر آن شدم، که برنامه بررسی مسجدها را در پژوهش‌های نخستین ادامه فعالیت‌های علمی خود قرار دهم. متأسفانه در تحولات نه چندان مثبت سیاست‌ها و مسئولان دانشگاه‌های ایران در ابتدای نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ خورشیدی، که پایان همکاری اینجانب با دانشگاه هنر را نیز به همراه داشت، درک و اهمیت این پژوهش از سوی دانشگاه اقبالی پیدا نکرد. یکی از مسائل در این اختلاف عنوان پژوهش بود، که «شورای پژوهشی» دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر به نوعی، عنوانی «نارسا» را برای آن مناسب‌تر می‌دانست. در حالی که یکی از شرایط علمی بودن هر پژوهشی، عنوانی گویا برای مطالب موجود در آن و همچنین نظریه مطرح شده از سوی پژوهشگر در همان عنوان پژوهش است. اگر پژوهش در معماری ایران از رونق برخوردار نیست، یکی از دلایل آن را باید در عنوان‌های کلی و نارسای آن مانند آنچه برای این پژوهش از سوی دانشگاه هنر، «بررسی نمونه‌های مسکن غربی در مسجدها» توصیه می‌شد، پیدا کرد. این عنوان از این جهت نارسا است، که هر پژوهشگر، علاقمند، خواننده و یا حتی بیننده، نباید از خود بپرسد: «چرا مسجدها؟». عنوانی مشخص و قاطع، نه تنها در خارج علاقمند به موضوع‌های مختلف معماری مؤثر است، بلکه چیزی فراتر از این است، چرا که در باروری و تدوین یک موضوع پژوهشی، عنوان مناسب، نقش مهمی را بازی می‌کند. زمانی می‌توان این گونه عنوان‌های کلی را برای هر پژوهشی انتخاب کرد، که پژوهشگر «تقریباً» برای نخستین بار در مورد موضوعی قصد تحقیق دارد؛ مانند تحقیقی که در مورد «معماری و شهرسازی در کرانه جنوبی دریای مازندران» از سوی نگارنده انجام شده است، اما پژوهش در مورد مسجدها از آنجا که با توجه به سابقه و در ادامه تمرکز تحقیقاتی اینجانب است، باید دارای عنوانی «روشن‌تر» باشد. به عبارتی دیگر، حتی همکاران «شورای پژوهشی» دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر باید انتظار عنوان‌هایی رساتر از آنچه که اینجانب انتخاب کرده است، داشته باشند. همین مشکل نیز در پژوهش‌های معماری سنتی ما وجود دارد. با تمام کوشش‌هایی که دانشکده‌های سطح بالای معماری کشور در مورد این نوع معماری می‌کنند، پرسش این است، که آیا تاکنون به دستاوردهای چشمگیر یا دست‌کم «جدید» رسیده است، که توان تأثیر اندکی بر نظریه‌هایی در محیط دانشگاهی داشته باشند؟ یا اصلاً پژوهش‌ها در معماری سنتی ایران، چه تأثیر مهمی روی شکل و فرم معماری امروز

ما گذاشته است؟ اینها پرسش‌هایی است، که تنها دانشکده‌های معماری ما در محیط‌های مناسب بحث و تبادل نظر از راه پژوهش‌های انجام شده، می‌توانند برای آن پاسخی مناسب پیدا کنند. فقدان محیط اصیل آکادمیک در دانشگاه‌های سطح بالای ما، راه رشد را برای معماری‌های بی‌ارزش و بازاری باز گذاشته است، تا آنجا که، سبک معماری امروز ایران را «سبک لمپنیزم» (این واژه از این جهت برای معماری روز ایران مناسب است، که با یک نظر سطحی می‌توان درک کرد تصمیم‌گیری‌های مهم و از آن جمله سبک و زیبایی‌شناسی معماری امروز به وسیله اشخاص غیر حرفه‌ای و به عبارتی دیگر بساز و بفروش‌هایی که رفتارشان با این مقوله مهم شهری شکلی زورمندانانه و یا «لمپن گونه» است، اعمال می‌شود.) نامید. متأسفانه از آن بیشتر، حتی معماران این نوع معماری نازل به محیط‌های دانشگاهی ما راه پیدا کرده‌اند. دانشکده‌های معماری در این رابطه نیز باید از خود بپرسند، که دلیل این گونه نارسایی‌ها چیست؟ به گمان اینجانب، این نارسایی‌ها در نظام آموزش و پژوهش وجود دارد. پس از اشتغال نگارنده در دانشگاه آزاد اسلامی «هیدج» این پروژه بار دیگر فرصت عنوان شدن و جلب توجه علاقمندان را پیدا کرد. اما این بار نیز با به جریان افتادن آن در مسیری اشتباه، انتشار آن دوباره دچار وقفه‌ای دیگر شد. سرانجام موجبات انتشار این اثر پس از یافتن دوست قدیمی خود، آقای کامران شاهرخ همدانی، مدیر محترم مؤسسه انتشارات «شهر هنر»، که به صورتی بسیار اتفاقی رخ داد، و همچنین طراحی بسیار حرفه‌ای دوست قدیمی دیگر، آقای علیرضا اسماعیلی مهیا شد. جای آن دارد، که از اظهار نظر استاد گرامی آقای دکتر سیمون آیوازیان، که این پژوهش را با دوست بسیار محترم و با راهنمایی‌های لازم خود موجب اعتلای بیشتر این پژوهش شدند، و به شکل مقدمه‌ای در ابتدای کتاب آمده است، سپاسگزار باشم.

مطالعات اولیه این پروژه در سفرهای مختلف تحقیقاتی بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵، چه به صورت انفرادی و چه با گروهی از دانشجویان دانشگاه هنر، صورت گرفت و در سال ۱۳۸۶ سورشی نه‌ستین ویرایش آن پس از مطالعات میدانی به اتمام رسید. دومین ویرایش آن نیز در دانشگاه هیدج و در سال ۱۳۹۲ صورت گرفت. این ویرایش مجدداً توسط عزیزم آقای محمود غفاری مهر، این پژوهش در مورد شهر و مسکن مدرن مسجدسلیمان به پژوهشگران معماران در مدرن در ایران، و همچنین علاقمندان عرضه می‌گردد. مطالعات میدانی نیز توسط گروهی ۱۰ نفره، با متخصصان دارای تجربه کافی، برداشت‌های شهری و ساختمانی، و همچنین دانشجویان دانشگاه هنر که در این مشارکت علمی فرصت کسب تجربه‌ای جدید را داشتند، به مدت یک هفته در زمستان سال ۱۳۸۵ صورت گرفت. برداشت تمامی نقشه‌های این پژوهش زیر نظر پژوهشگر انجام شده است. اگر در زیرنویس‌ها دارد، مانند نقشه، تصویر و یا اسکیس نام منبعی ذکر نشده باشد، به وسیله پژوهشگر و همکاران او تهیه شده است. در غیر این صورت منبع هر مدتی در زیرنویس آن آمده است. ناگفته نماند، که تقریباً تمامی دانشجویان دانشگاه هنر و همچنین دیگر دانشجویان افتخاری شرکت‌کننده در این پروژه اکنون خود نیز دانش‌آموخته، مهندس و یا دانشجویانی در مقطع دکتری هستند.

نکته‌ای که باید در مورد متن نوشته شده در فصل دوم به آن اشاره شود، «تشریح معماری» است. این متن برخلاف نوشته‌های رایج «فلسفی» درباره معماری، دارای محتوایی کاملاً فیزیکی است و معماری را از جهت «شکل موجودیت» آن تشریح می‌کند. این توضیح از این جهت داده می‌شود که شاید برای بعضی از خوانندگان «تشریح معماری» ناآشنا باشد. چرا که این موضوعی جدا از «فکر اولیه»، «ایده» و یا «فلسفه» وجودی ناشناخته آن است و در واقع نتیجه فکر اولیه است.

نکته مهم دیگری که در نگارش این کتاب نیاز به اشاره دارد، نثر ساده و روان آن است. چون بیشتر کتاب‌های معماری و شهرسازی در زبان فارسی ترجمه‌هایی از زبان‌های دیگر، و به ویژه انگلیسی است، غالباً دارای نثر پیچیده و دشواری هستند. چون این اثر حاصل کار پژوهشی است، و به عبارتی دیگر، مطالب آن نتیجه مطالعاتی، چه میدانی و چه کتابخانه‌ای است، نگارش آن نیز ساده و به دور از لفاظی‌ها صورت گرفته

است. به همین دلیل امیدوارم، که درک و فهم آن برای علاقمندان سهل‌تر شده باشد. از عنوان نمودن نام مسجدسلیمان در بخش «نمایه» خودداری شده است. همچنین اسامی خاصی در مقدمه‌ها، رفرنس‌ها و زیرنویس‌های تصاویر در نظر گرفته نشده‌اند.

متأسفانه به دلیل محدودیت‌هایی که در این پژوهش وجود داشت، دسترسی به تمام منابع ممکن نشد. از آن میان می‌توان از شرکت نفت «BP» (British Petroleum) نام برد، که مطمئناً دارای مجموعه‌ای مکتوب از شهر مسجدسلیمان است. زیرا پایه این شرکت، شرکت نفت ایران و انگلیس است، که در مسجدسلیمان تأسیس شد و پس از ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹ خورشیدی تغییر نام یافت.

در این جا مایلیم و لازم است که از تمام همکاران و دوستان این دوران، به‌ویژه مسئولان وقت دانشگاه آزاد اسلامی هیدج که این هدف را باورمند ساخته و در حقیقت امکان انجام این پژوهش را فراهم کردند، از صمیم قلب سپاسگزاری کنم.

همچنین می‌بایست از زحمات آقای محمد زراسوندی علی‌پور، مدیر محترم وقت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مسجدسلیمان و همین‌طور آقای فرید ناوش، رئیس انجمن دوستداران میراث فرهنگی مسجدسلیمان، که نه تنها در پژوهش‌های میدانی، بلکه با در اختیار گذاشتن مدارک متعدد ما یاری کردند، سپاسگزاری کنم.

سپاس من همین‌طور شامل مرحوم زنده‌ای مریم سید عیسی موسویان، فرماندار وقت شهرستان مسجدسلیمان - مرحوم زنده‌یاد آقای مهندس عباس براتی، معاون فرمانداری شهرستان مسجدسلیمان - آقای شهرام امید، مسئول وقت روابط عمومی شهرداری مسجدسلیمان - آقای فرزاد عباسوند، مدیر عکاسی نگاه - رسول احمدی رئیس وقت روابط عمومی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجدسلیمان - مهندس پیمان ملایی، مدیر وقت اداری خدمات مهندسی و مسئول شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجدسلیمان، به واسطه همکاری‌های خالصانه و بدون شرط آن‌ها می‌شود.

از همکاران دانشمند آقای دانش عباسی شهنی و همین‌طور آقای رشید خدادادیان، که با راهنمایی‌های خود، راه این پژوهش را هموار ساختند، بسیار سپاسگزارم. همچنین جای آن دارد، قدردانی خود را از آقایان سید بیات برای در اختیار قرار دادن نقشه‌های شهر ابراز کنم.

خانواده‌های آذر نشین: آفریدون؛ ابراهیم؛ احمدی؛ بابادی؛ بی‌باک؛ پور غلام؛ چهارلنگ؛ خواجه؛ صفی‌پور؛ علی‌پور؛ غلامی؛ قلی‌پور؛ کریم علی‌پور؛ کلانتر؛ کیانی و وحیدی، با اجازه‌ای که به ما برای برداشت نقشه‌های خانه‌ها دادند، باید سپاسگزاری ویژه‌ای بنمایم. چرا که سهم بزرگی از موجودیت و مستندات این پژوهش وابسته به موافقت آن‌ها بود.

اما قسمت عمده‌ای از این سپاسگزاری، شامل آقای سیامک آمویی می‌شود، کسی که افتخار آشنایی با ایشان را در نخستین مسافرت تحقیقاتی به مسجدسلیمان داشتم و او کسی است، که با یاری خود نه تنها در سفر نخستین همراهی کرد، بلکه در طول پژوهش، مشوق بزرگ اینجانب در این کار نیز محسوب می‌شود.

در پایان جای آن دارد، که از بزرگ‌ترین انگیزه در انتشار این اثر نیز نام ببرم. از جوانان مسجدسلیمان، جوانانی که به شهر خود عشق می‌ورزند و مکان‌های مهم و تاریخی آن را به عنوان محلی جهت گردهمایی‌های شبانه خود انتخاب کردند، که این‌گونه یاد گذشته‌های درخشان مسجدسلیمان را زنده نگه می‌دارند و برای بازگشت به آن روزها تمام سختی‌های امروز را تحمل می‌کنند. من با این جوانان در واپسین شب اقامت کار میدانی، زمانی که به همراه تمام افراد گروه برای لذت بردن از دید شب هنگام مسجدسلیمان از مکانی بالا، یعنی به «سر مسجد» رفته بودم، مواجه شدم. این جوانان بختیاری مشغول شنیدن موسیقی یکی از خوانندگان مردمی خود بودند، که موجب جلب توجه شد. آنها هم متقابلاً دلیل حضور من و تیم میدانی را جویا شدند و از دریافتن این که، مسجدسلیمان این چنین در یکی از دانشگاه‌های تهران اهمیت پیدا کرده است، بسیار خوشحال شدند. ما هم از وقت خوش آشنایی با فرهنگ بختیاری، به‌ویژه موسیقی مرحوم زنده‌یاد

بهمن علاءالدین، متخلص به مسعود بختیاری (۲۰ مهر ۱۳۱۹ - ۱۲ آبان ۱۳۸۶) خوشحالم. سرانجام با آن‌ها خداحافظی کردیم و عازم پایانه مسافری جهت بازگشت به اهواز و تهران شدیم. در آنجا، یکی از دانشجویان گروه یک لوح فشرده را به اینجانب داد و گفت: «آن جوانان می‌خواستند لوح فشرده این خواننده را به شما هدیه کنند، ولی رفته بودید. به دلیل این که حضور نداشتید این مأموریت را به من محول کردند.» نگاه حاکی از قدردانی اینجانب، همراه نوعی احساس اندوه به آن لوح فشرده دوخته شده بود، اندوه برای غریب بودن و سرشاری صداقت آن جوانان نسبت به خود و دیگران.

تهران، بهار ۱۳۹۵

مهران دشتی

همکاران:

همکار اصلی در تهیه پژوهش:
مهندس بهناز بهمند

همکاران پژوهشی:
مهندس سیما احمدیان؛ مهندس بهناز بهمند؛ مهندس مهشید سلانی؛ مهندس کرشنا مهاجر

همکاران اصلی در کار میدانی:
مهندس غزال ابن علیان؛ مهندس سیما احمدیان؛ مهندس بهناز بهمند؛ مهندس مهشید سلانی؛ مهندس علی عسگری

همکاران کارهای میدانی:
مهشید سلامتی؛ امیر محمد شهراد؛ لاله عنبری؛ نرگس فتحی؛ محمدرضا محبعلی؛ سید محمد جواد موسوی

با سپاس از:
شیرین حیدر بختیاری؛ نیکو دادگر؛ سارا قاضی سمایی؛ مهتاب طاهری

مقدمه دکتر سیمون آیوازیان

یکی از مهم‌ترین وظایف یک معمار، به‌خصوص معماری که بیشتر وقتش در تدریس و تربیت دانشجویان معماری صرف می‌شود، راه‌یابی به سیر تحول و شکل‌گیری اندیشه معماری کشورش می‌باشد، و این امر با پژوهش امکان‌پذیر است. یکی از معضلات و مشکلات معماری کشورمان، بحث معماری مسکن و مجتمع‌های مسکونی است. در این راستا پژوهش جهت یافتن نمونه‌های مهم مسکن قدیم، سیر تحول آن و دست‌یافتن به شکل‌گیری بافت جدید شهری تا رسیدن به مسکن مناسب، از اهمیت خاصی برخوردار است. سئوالاتی در این زمینه وجود دارد، که از همایش‌های گوناگون معماری و شهرسازی مطرح و به چالش کشیده می‌شود. برای مثال با توجه به جذابیت معماری قدیمی و سنتی، ملت‌آرام از باط آن با معماری جدید، یا چگونه معماری سنتی ایران در شکل‌گیری معماری عصر حاضر مؤثر است، و چه عواملی را باید، چه از نقطه نظر فرهنگی و یا فیزیکی انتقال داد، سئوالاتی در این زمینه هستند، که نیاز به پژوهش جامع دارد و شاید بعضی از سئوالات می‌تواند برای ارائه یک مقاله علمی مورد استفاده قرار گیرد.

نویسنده این مجموعه یکی از اشخاص متعهد به کار پژوهش می‌باشد، که حتی پس از اتمام دوره دکتری خود، ذهن پژوهشگرش آرام نگرفت و همچنان در فکر راه یافتن به سئوالات جدید در این زمینه و دوشش و کار میدانی در انواع مسکن متأخر کشورمان شد و راهی برای رسیدن به گونه‌شناسی و مورفولوژی مسکن امروز ایران جستجو کرد. پژوهش در این زمینه، نیاز به کار میدانی و کتابخانه‌ای دارد. همچنین در مطالعات ثانویه و شناخت روند تاریخی به غیر از مآخذ موجود، شاید با مطالعه سفرنامه‌ها بتوان به نتایج مطلوبی دست یافت.

در حقیقت شکل‌گیری جدید مسکن و مجتمع‌های مسکونی را می‌توان از راه‌های گوناگونی پی‌گیری کرد و آن به دلیل سفرهای متعدد پادشاهان قاجاری به کشورهای اروپایی و دعوت اروپائیان به ایران و بستن قراردادهای اراضی در زمینه صنعتی، به‌خصوص صنعت نفت و ایجاد پالایشگاه، که اکثراً در مناطق جنوب غربی کشور مستقرند، می‌تواند باشد. کمپانی‌های خارجی جهت رفاه متخصصان و کارگزارانشان شروع به احداث مجتمع‌های مسکونی در بافت شهری کردند. این امر شروع جدیدی در شکل‌گیری مسکن و بافت مجتمع‌ها و تأثیر آن در محله‌ها و شهرها شد. چنانکه در این مجموعه نوشتاری ملاحظه می‌شود. بعد از مدتی، انتقال این نمونه‌ها به سایر شهرهای کشورمان آغاز گردید.

پژوهشی که در این زمینه شده، تحت عنوان «مسجد سلیمان، خاستگاه نخستین مسکن غربی در ایران» می‌باشد، که در اختیار خوانندگان و علاقمندان قرار گرفته است و بهانه‌ایست جهت ادامه‌ی این پژوهش برای آنها. امید است، که علاقمندان بتوانند زنجیره‌ی این کار با ارزش را غنی‌تر و محکم‌تر کنند.

سیمون آیوازیان

استاد معماری دانشگاه تهران

فهرست

۷	پیشگفتار و سپاسگزاری
۱۲	همکاران
۱۳	مقدمه دکتر سیمون آیوازیان
۱۷	فصل نخست: مقدمه
۱۷	موضوع پژوهش و ورود به آن
۱۷	اهمیت پژوهش
۱۸	روش تحقیق
۱۹	سابقه پژوهش و نتایج آنها
۲۳	نگاهی به روند ورود معماری غربی به ایران
۲۵	تاریخچه و نام‌های پیشین منطقه مسجدسلیمان
۲۶	نگاهی به جغرافیای طبیعی، سیاسی و اجتماعی مسجدسلیمان
۲۷	فصل دوم: سکونتگاه‌ها
۲۷	سکونتگاه‌های اولیه در مسجدسلیمان
۲۸	خانه‌های عشایری
۲۹	از نخستین کمپ تا «لین» ها و «بنگله» ها
۲۹	بست فوئی ها
۳۱	تمبی
۳۳	چشمه علی
۳۶	کمی لب
۳۷	نیمس هت، پشاهنگ خانه‌های پیش ساخته
۳۹	سکونتگاه‌های پیشرفته

۴۰	لین ها
۴۰	مال کریم
۴۷	پشت برج، کولر شاپ
۵۵	نفتون، بی بی یان
۶۴	بنگله ها
۶۴	هشت بنگله، پشت انبار خوراکی
۷۳	باغ ملی، جی تایپ
۸۲	پیش ساخته ها، اسکالچ کر سنت
۸۷	فصل سوم: نتیجه گیری
۸۷	مورفولوژی و تیپولوژی
۸۷	نگاهی به سابقه بحث
۸۹	مورفولوژی و تیپولوژی در مسجدها
۹۰	مورفولوژی و تیپولوژی در دیگر محله ها
۹۳	شکل گیری شهر
۹۸	چگونگی معماری سکونتگاه ها
۹۸	ریشه معماری سکونتگاه ها
۱۰۰	جزئیات فنی و کاربردی سکونتگاه ها
۱۰۶	دخالت های مسئولین و ساکنان در سکونتگاه ها و روند نام ده آنها
۱۰۷	فصل چهارم: سخن آخر
۱۰۹	نمایه
۱۱۳	منابع
۱۱۹	Abstract